

جایگاه تصویرپردازی از آینده در چشم‌انداز ملی بر مبنای آموزه‌های اسلام * عین‌الله کشاورز ترک

چکیده

تصاویر آینده، نمایانگر نوعی آگاهی جمعی از انتظارات، بیم‌ها و امیدها در نظر گرفته شده‌اند. تصویرهای آینده به شکل‌گیری اقدام‌هایی کمک کرده‌اند. بنیادی‌ترین پرسش‌های آینده در زمینه تصویرهای آینده، علل پیدایش و پیامدهای آن‌هاست. فهم تصاویر متفاوت از آینده، منجر به رفتار و واکنش‌های متفاوتی در زمان حال می‌شود. هر عملی که مرتکب می‌شویم در مرحله‌ای به تصویری که از آینده خلق شده مربوط است. تصویرپردازی آینده در دین اسلام در دو سطح فردی و اجتماعی قابل‌بررسی است، بر همین اساس اگر دین سرشت و جوهره‌ای آینده‌نگرانه داشته باشد، انسان دین‌دار و دارای تربیت دینی نیز باید یک انسان آینده‌نگر باشد. درنهایت، اجتماع نیز در این جهت حرکت خواهد کرد. در ابعاد فردی، موضوع انسان کامل مورد بررسی قرار گرفته و در ابعاد اجتماعی، جامعه عدل تبیین شده است. شناسایی این عوامل اهمیت تصویرپردازی از آینده در اسلام را مشخص می‌کند و جایگاه آینده‌نگری الهی که منجر به تصویرپردازی بصیرت‌بخش می‌شود را روشن می‌سازد. در قرآن کریم و روایات ائمه (ع) نکات برجسته‌ای در مورد آینده و خصوصیات آن آمده است. در این میان دو مفهوم زمان و عدم قطعیت و نگاه و عمل آموزه‌های دین در خصوص تصویرپردازی می‌تواند در تدوین مفروضات و الگوسازی و مدل‌سازی نظری این حوزه مورد توجه قرار گیرد. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های فردی و اجتماعی تصویرپردازی از دیدگاه اسلام کدامند و چه نقشی در تدوین و تحقق چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه کشور دارند؟!

واژگان کلیدی: تصویرپردازی، آینده‌پژوهی، چشم‌انداز ملی.

* استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول) a.keshavarz@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۳/۱۶

مقدمه

آینده‌پژوهی تصویری‌های آینده (ایده‌ها، دغدغه‌ها، امیدها، باورها و علایقشان را نسبت به آینده) را محک زده و شفاف می‌سازد تا کیفیت تصمیم‌هایی که برای آینده می‌گیرند، بهبود یابد. ایجاد تصاویر از آینده (آینده‌های مطلوب و مرجح) و اقدام به طرح‌ریزی و تصمیم‌گیری بر اساس آن صورت می‌پذیرد. تصویرپردازی، ترسیم تصویری مطلوب و یا نامطلوب از آینده است که یا بر مبنای درک و نگرش آینده‌نگر در حال و هوای بشری و یا بر اساس سنن و علم الهی در فضای الهی صورت می‌گیرد. (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱) در همه ادیان به‌ویژه دین‌های الهی، آینده‌شناسی از جایگاه خاصی برخوردار است. هر آیین و مذهبی، آینده‌های روشن برای پیروانش ترسیم کرده و بهره‌مندی از آن را به ایشان وعده داده است.

در آینده‌پژوهی دینی، اساس یافته‌ها درباره آینده، از اخبار آسمانی یا پیش‌بینی‌های نسبتاً قطعی به دست می‌آید که از سیستم «علی - معلولی» حاکم در جهان نشأت می‌گیرد. ادیان الهی به انسان توصیه می‌کنند با درک و شناخت قوانین الهی حاکم در هستی، آینده را ترسیم کرده و خود را برای آن آماده سازند. علاوه بر آن ادیان به انسان، یک زندگی ایدئولوژیک می‌دهند که خود ماهیتی آینده‌نگرانه دارد. به این معنا که ادیان به پیروانشان، طرز زندگی خاصی را توصیه می‌کنند که آنان را به صلاح دنیوی و سعادت اخروی می‌رساند.

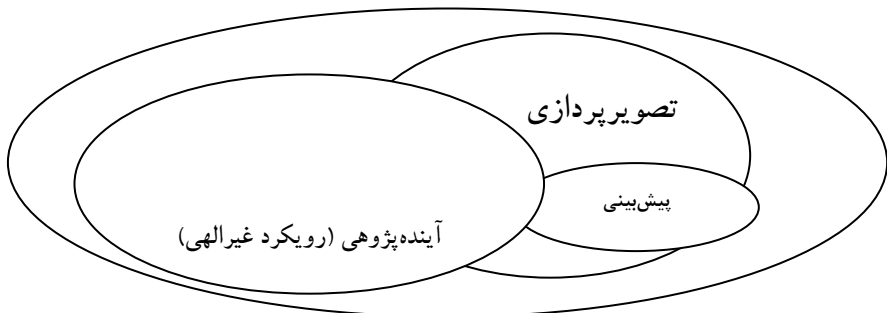
در این میان، چشم‌انداز، بیان صریح سرنوشتی که سازمان باید به سوی آن حرکت کند. هر سیستم اجتماعی پویا برای حرکت از وضع موجود و گذر به سوی آینده‌ای مطلوب، نیاز به داشتن تصور و بینشی از وضع مطلوب آینده دارد که در مبانی نظری مدیریت به آن، چشم‌انداز می‌گویند. چشم‌انداز نشان‌دهنده مقصد و منتهای راه است و علاوه بر اینکه در افراد انگیزه حرکت و تغییر وضع موجود را ایجاد می‌کند، با ارائه تصویری از آینده مطلوب، اشتیاق طی طریق را در آن‌ها می‌افزاید و به تلاش ایشان جهت می‌دهد. چشم‌انداز مایه انسجام و همگرایی تلاش‌هاست و نیز سعی و کوشش افراد را به سمت هدفی واحد، روشن، صریح، جذاب، آرمانی و قابل دستیابی هدایت می‌کند. (پورعزت، ۱۳۸۵، ص ۱۱)

در راستای تدوین چشم‌انداز ملی، نیازمند مبانی نظری و فلسفی قوی هستیم. حوزه آینده‌پژوهی با نگرش الهی، عمدتاً بر مبنای تصویرپردازی است. این حوزه به دو بخش فردی و اجتماعی قابل تفکیک و بررسی است و مؤلفه‌های اثرگذار شناسایی شود، در کنار شناسایی این مؤلفه‌های توجه به مفهوم زمان و عدم قطعیت نیز ضروری است. شناخت این عوامل و کاربردی کردن آن در حیطه چشم‌انداز سازی و اجرا می‌تواند در جوامع اسلامی راه دسترسی به اهداف را تسهیل کند.

آینده‌پژوهی و تصویرپردازی

همه ادیان و بعضی از نحله‌های فکری بشری، در قالب تئوری‌های آینده‌پژوهانه، نهایت جهان را «نهایتی دیگر» و منجر به جامعه ایدئال بشری دانسته‌اند. (اصغری، ۱۳۷۹، ص ۱۲) مطالعه در سیر تمدن بشری نشان می‌دهد که آینده‌نگری در ابتدا توسط انبیای الهی با تأکید بر معارف و آموزه‌های دینی از یک سو و عامه مردم از سوی دیگر انجام شده است. در حقیقت حرکت آینده‌نگری در دو فضای کاملاً مجزای الهی و بشری صورت گرفته است. البته لازم به ذکر است که مقصود از طرح آینده‌نگری در دو بستر بشری و الهی به معنای تقابل این دو نیست، بلکه ماهیت متفاوت هر یک در روش‌شناسی، مبانی و دستاوردها باعث می‌شود که در تقسیم‌بندی دو فضا مدنظر باشد. (گودرزی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲ - ۱۴۳) در واقع، آنچه از آینده می‌دانیم یا در پی اندیشیدن انسان، فارغ از منظر الهی حاصل شده است و یا از طریق خداوند بر بشر، نازل شده است. این دقیقاً همان وجه تمایزی است که آینده‌نگری‌های فلسفی و تجربی را از آینده‌نگری‌های دینی جدا می‌سازد. علی‌رغم برخی تفاوت‌ها، می‌توان اشتراک در موضوع (آینده انسان و جهان)، فلسفه وجودی (برای آمادگی در برابر آینده) و نقش تأثیرگذار انسان و جوامع انسانی در آینده را از جمله وجوه مشترک بین آینده‌نگری الهی و مادی دانست. (کمپجانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳ - ۱۴)

آینده‌پژوهی مفهومی است عام که تمامی واژگان دیگر را در بر می‌گیرد و در دو فضای الهی و مادی قابل طرح است. در فضای مادی تلاش‌ها عمدتاً بر مبنای پذیرش خطا و حرکت به سمت به‌کارگیری اصول به‌اصطلاح علمی است؛ بنابراین، می‌توان به‌طور کلی آن را «آینده‌پژوهی» نامید، اما آینده‌پژوهی الهی عمدتاً بر مبنای تصویرپردازی است. بر این اساس، انگاره مهدویت‌پژوهی را نیز می‌توان در فضای آینده‌پژوهی الهی در نظر گرفت. به لحاظ تکیه بر منابع وحی و سنت با تصویرپردازی و به لحاظ وابستگی به منابع عقلی - فلسفی و احیاناً علمی - تجربی با آینده‌پژوهی دارای وجوه اشتراک است. (شکل ۱)



شکل ۱: رابطه آینده‌پژوهی و تصویرپردازی

تصویرپردازی از آینده در نظریه‌های اخیر

ساموئل هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها به افراطی‌ترین شکل، تصویری بسیار هشداردهنده را از آینده ارائه می‌دهد؛ مبنی بر اینکه ریشه تضادهای بین‌المللی قرن بیست‌ویکم، ماهیت فرهنگی داشته (یعنی اصالتاً اقتصادی یا ایدئولوژیک نخواهند بود) و از تمدن‌های متفاوت در میان ملت‌ها و گروه‌ها ناشی خواهد شد. وی بر این باور است که تمدن‌های اصلی (غربی، چینی، ژاپنی، هندو، اسلامی، بودایی، مسیحی ارتدکس و امریکای لاتین) در واکنش به جهانی‌سازی به بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل تبدیل می‌شوند. او بر این اساس پیش‌بینی می‌کند که جنگ جهانی آینده میان تمدن‌ها به وقوع می‌پیوندد، نه میان حکومت‌ها! بسیار محتمل است که میان چین و غرب یا اسلام و غرب روی دهد. این نظریه تأثیر زیادی بر افکار عمومی جهان داشته است تا جایی که برخی اطلاعاتی جرج دبلیو. بوش را درباره جنگ علیه تروریسم (پس از حمله به نیویورک و واشنگتن در سپتامبر ۲۰۰۱) به‌مثابه علامتی برای آغاز جنگ اسلام و غرب تلقی کردند. باوجوداین، نظریه هانتینگتون بسیار مورد انتقاد بوده است. بیشتر انتقادهای عبارت‌اند از اینکه این نظریه در تشخیص گستره‌ای که جهانی‌سازی توانسته است در بسیاری از نقاط دنیا تفاوت‌های فرهنگی نامشخصی را در بر بگیرد شکست خورده است. ضمن اینکه رابطه‌ای میان تفاوت‌های فرهنگی و خصومت مشاهده نشده است (برای نمونه، بیشتر جنگ‌ها میان حکومت‌هایی با تمدن‌های مشابه واقع شده‌اند، نه بین تمدن‌های متفاوت) و تضاد میان تمدن‌ها، بیشتر مبتنی بر تبیین بی‌عدالتی‌های سیاسی و اقتصادی ادراک شده است، نه مبتنی بر رقابت فرهنگ‌ها. پور عزت، به نقل از (هیوود، ۲۰۰۲، ص ۱۴۶).

درحالی‌که پیش‌بینی دقیق آینده سیستم‌های اجتماعی بسیار دشوار و بعید به نظر می‌رسد، در دهه‌ها و به‌ویژه در سال‌های اخیر فعالیت‌های زیادی انجام شده است تا تصاویری از آینده به جهانیان عرضه شود، به‌گونه‌ای که علایق گروه‌های متنوع و متعدد انسانی را در جوامع گوناگون تحت تأثیر قرار دهد. ملاحظه می‌شود که:

۱. تصویرپردازی‌های مبتنی بر اشعار نوسترداموس و نظایر آن، برای گروه‌های عوام و ساده‌اندیش‌تر اقناع‌کننده به نظر می‌رسد.
۲. تصاویر ترسیمی تافلر و افراد نظیر او، مخاطبان اصلی خود را در میان گروه‌های روشنفکری، روزنامه‌نگاران و تکنوکرات‌های جهان بازمی‌یابد، درحالی‌که:
۳. نظریه هانتینگتون به‌طور عمده، صاحب‌نظران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را برمی‌انگیزد و نظریه
۴. فوکویاما با رویکرد فلسفی - سیاسی، سعی در فرونشاندن عطش اندیشه‌ورزی در حوزه‌های فلسفی سیاسی دارد.

جالب آنکه در همه این تصاویر، یا غرب پیروز میدان است یا مدیریت میدان را بر عهده دارد و درصدد تفرق استراتژیک بر جهان است، یا اینکه می‌خواهد برتری فلسفه سیاسی خود را به رخ جهانیان بکشد. (پورعزت، ۱۳۸۲، ص ۴۷)

رویکرد بصیرت‌بخش بنیان مشروعیت تصویرپردازی از آینده

تصویرپردازی از آینده را می‌توان از دو رویکرد اتخاذ کرد؛ رویکرد القایی و رویکرد بصیرت‌بخش. اتخاذ رویکرد القایی به تنظیم استراتژی‌های ناپایدار می‌انجامد و در بلندمدت اعتبار استراتژی ملی را خدشه‌دار می‌سازد، زیرا هرگونه اصرار به آینده‌سازی القایی (به جای آینده‌نگری صادقانه) در سیر زمان محکوم به شکست خواهد بود، به‌ویژه با توجه به روند تدریجی افزایش بلوغ جامعه بشری که بر احتمال وقوف سریع‌تر بر سرشت القایی طرح‌های این‌چنینی می‌افزاید. (پورعزت، ۱۳۸۳، الف، ۸)

درواقع، آنچه موجب اثربخشی پایانی تصویرپردازی می‌شود، اجماع نظر اعضای جامعه درباره تصویر آینده و برانگیختگی عناصر اجتماعی و جزم عزم ملی برای عینیت بخشیدن به آن در وضعیت واقعی است. توجه به این نکته مهم است که ارائه هر طرح تصویرپردازی، نوعی اقدام در وضعیت آینده جوامع است. بدیهی است که هرگونه مداخله در زندگی حال و آینده مردم بدون اجازه، اقدامی نامشروع تلقی می‌شود؛ بنابراین، مشروعیت تصویرپردازی در گرو بصیرت‌بخش بودن آن است، زیرا سرشت تصویرپردازی بصیرت‌بخش، مشارکت آگاهانه و مشتاقانه مردم است.

تصویرپردازی بصیرت‌بخش مستلزم سه اقدام مهم است:

الف) وقوف بر ماهیت تصویرپردازی‌های القایی و خنثی‌سازی آن از طریق افشای اطلاعات و دانسته‌ها.

ب) تصویرپردازی از آینده با تأکید بر خواست عمومی مردم و منافع ملی و ارائه مدل عملی.

ج) برانگیختن عزم ملی و تدوین استراتژی ملی برای عینیت بخشیدن به تصویر جایگزین. (پورعزت، ۱۳۸۳، الف، ۹)

اتخاذ این استراتژی با رویکرد بصیرت‌بخش، این قابلیت را ایجاد می‌کند که مردم زمان حال و آینده متشکل شوند و آگاهانه و مشتاقانه در قالب گروه‌های کار فرازمانی سازمان یابند. هر گروه را می‌توان مجموعه‌ای از انسان‌ها فرض کرد که در دوره‌های گسسته یا پیوسته‌ای از تاریخ برای نیل به اهدافی که گاهی پیش از تولد آن‌ها تعیین شده‌اند و احتمالاً پس از مرگ آن‌ها تحقق می‌یابند، هماهنگ با یکدیگر تلاش می‌کنند.

در کوتاه‌مدت، وقتی انسانی هوشیارانه و آگاهانه برای تحقق هدفی تصمیم می‌گیرد و به یک گروه کار می‌پیوندد، می‌توان انتظار داشت که در یک روال منطقی تلاش خود را برای نیل به اهداف گروه مبذول نماید، اما چگونه می‌توان انتظار داشت که فردی چند سال بعد، به تحقیق

یک هدف اجتماعی تعریف شده و تکامل یافته که نسل‌های پیشین او طراحی کرده‌اند متعهد بمانند؟ به‌ویژه هنگامی که انگیزه مالی نقش چندانی در برانگیختگی افراد به کار نداشته باشد. این نکته بسیار حائز اهمیت است، زیرا در حقیقت محور بحث، تداوم تصویرپردازی بصیرت‌بخش در طول سال‌های متمادی است. (پورعزت، ۱۳۸۲، ۳۹)

الف) ابعاد فردی تصویرپردازی در آموزه‌های اسلام

۱- شناخت انسان کامل بر اساس آیات قرآن

یکی از دغدغه‌های اصلی بشر از دیرباز شناخت انسان بوده است و در این شناخت از دو منظر به انسان نگریسته‌اند؛ توصیفی و توصیه‌ای. از منظر نخست، به چپستی، ویژگی‌ها و صفات بالفعل انسان توجه می‌شود و از منظر دوم به توانایی، استعداد، انسانیت انسان و اینکه «انسان چه باید بشود» و به یک معنا «انسان کامل کیست» نظر می‌شود. ادیان و مکاتب مختلف از زوایای مختلفی به انسان کامل پرداخته‌اند؛ بنابراین، با ذکر ویژگی‌های متفاوت برای او کوشیده‌اند تا نمونه‌ای از انسان کامل ارائه دهند تا دیگران با پیروی از آن بتوانند با شکوفا ساختن استعدادهای خود راه‌های کمال را بیمایند. (ارزگانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵)

«می‌دانیم که درباره ماهیت انسان اختلاف نظرهایی وجود دارد و به‌طور کلی دو نظریه اساسی مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ یکی نظریه روحیون و دیگری نظریه مادیون. بر اساس نظریه روحیون، انسان حقیقتی است مرکب از جسم و روان و روان انسان جاویدان است و با مردن انسان فانی نمی‌شود. چنان‌که می‌دانیم منطق دین و مخصوصاً نصوص اسلامی بر همین مطلب دلالت می‌کند. نظریه دوم این است که نه! انسان جز همین بدن و ماشین بدن چیز دیگری نیست و با مردن به کلی نیست و نابود می‌شود و متلاشی شدن بدن، یعنی متلاشی شدن شخصیت انسان.» (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۳۴)

«شناخت انسان کامل از نظر اسلام دو راه دارد؛ یک راه این است که ببینیم قرآن در درجه اول و سنت در درجه دوم انسان کامل را با بیانات خودشان چگونه توصیف کرده‌اند و چه مشخصاتی برای وی بیان کرده‌اند. دومین راه این است که افرادی عینی از انسان‌ها، یعنی افرادی که مطمئن هستیم همان‌گونه که قرآن و اسلام می‌خواهد ساخته شده‌اند، یعنی انسان‌های کامل اسلامی را بشناسیم. پیغمبر اکرم (ص) خود نمونه یک انسان کامل است. علی (ع) نیز یک نمونه دیگر از انسان کامل است. (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۵)

درباره رسول خدا (ص) می‌فرمایند: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** یا چنان‌که ابراهیم خلیل (ع) این مهم را از خدا طلب می‌کند.

همچنین خدا در قرآن کریم حضرت ابراهیم (ع) و همراهان او را به‌عنوان اسوه حسنه معرفی می‌کند، آنجا که می‌فرماید: **قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ**. شاید با استفاده از همین نکات قرآنی است که عارفان مسلمان، انسان کامل را تجلی تام حضرت حق و مظهر اسما و صفات او می‌دانند و شناخت او را مقدمه شناخت ذات حق تعالی می‌کنند.

۲- دیدگاه نهج‌البلاغه در مورد شناخت ارزش انسان:

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ». شناخت نفس، سودمندترین معرفت‌هاست. در جای دیگر می‌فرماید: «کسی که به اندازه ارزش خود نادان است به اندازه و ارزش دیگران نادان‌تر است.» از آن حضرت منقول است: «نهایت معرفت این است که انسان خویشتن را بشناسد.» (سرمدی، ۱۳۸۱، ص ۵)

در مورد ارزش انسان، حضرت علی (ع) در حکمت ۴۵۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید.» همچنین در حکمت ۴۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «ارزش مردم به اندازه همت اوست.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۶۳۵) از این دو حکمت می‌توان نتیجه گرفت که انسان‌های بلندهمت در بهشت موعود الهی جای دارند و به آن خواهند رسید، البته اگر کم‌فروشی نکنند و خود را به دنیا واندهند.

۳- الگوی نهج‌البلاغه در تصویرپردازی از آینده فردی انسان

در این قسمت متناسب با هریک از ابعاد تعریف، چند شاخص و معیار با استناد به نهج‌البلاغه ارائه می‌شود. البته در سند چشم‌انداز، این ده ویژگی برای هر فرد ایرانی آمده است که در واقع، مطلوب آن است که همه ایرانی‌ها این ویژگی‌ها را داشته باشند، اما در یک سطح پایین‌تر، باید کارکنان هر سازمان ایرانی برای نیل به این ابعاد ده‌گانه در سازمان خود تلاش کنند تا چشم‌انداز، دست‌کم در سطح فرد سازمانی به اجرا درآید.

مدل فرد ایرانی در سند چشم‌انداز:

۱. فعال بودن: داشتن همت، تخصص و تجربه،^۱ عمل‌گرا بودن،^۲ انجام عمل صالح.^۳
۲. مؤمن بودن: همت داشتن، پرکار و کم‌سخن بودن، شکرگذاری، شکیبایی و فروتنی^۴ و غیره، عیب‌جو نبودن، (کم‌سخنی) و داشتن شرم و حیا.
۳. ایثارگری: شتاب در سخاوت،^۵ بخشش به دیگران،^۶ بذل جان و مال در راه رضای خدا،^۷
- ۴.

۱. ارزش هرکس به مقدار دانایی و تخصص اوست. نهج‌البلاغه، حکمت ۸۱

۲. دعوت کننده بی‌عمل چون تیرانداز بدون کمان است. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۷

۳. همانا ثروت و فرزندان محصول دنیا و فانی شدنی و عمل صالح زراعت آخرت است ... عمل نیک انجام دهید بدون آنکه به ریا و خودنمایی مبتلا شوید. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳

۴. شادی مؤمن در چهره او و اندوه وی در دلش پنهان است. اندوه او طولانی و همت او بلند است. سکوتش فراوان و وقت او با کار گرفته می‌شود. شکرگزار، شکیبا و ژرف‌اندیش است. از کسی درخواست ندارد، نرم‌خو و فروتن است. بخشی از حکمت ۳۳۳ نهج‌البلاغه.

۵. سخاوت آن است که تو آغاز کنی، زیرا آنچه با درخواست داده می‌شود یا از روی شرم یا از بیم شنیدن سخن ناپسند است. نهج‌البلاغه، حکمت ۵۳.

۶. از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن از آن کمتر است. نهج‌البلاغه، حکمت ۶۷.

۷. و بدان بهترین مؤمنان آن بود که جان و خاندان و مال خود را در راه خدا پیشاپیش تقدیم کند، چه آن را که پیش فرستی برای تو اندوخته شود و آنچه را که باقی‌گذاری سودش به دیگران می‌رسد. نهج‌البلاغه، نامه ۶۹.

عفو و گذشت از خطا،^۱ دادن صدقه.^۲

۵. مسئولیت‌پذیری: داشتن ارتباطات اجتماعی شایسته با مردم،^۳ پذیرش مسئولیت اجتماعی افراد متقاضی،^۴ مسئولیت مالی ثروتمندان در جامعه،^۵ نکوهش فرار از بار مسئولیت،^۶ وعده و وعید ندادن به دیگران^۷ (به دلیل بار شدن تکلیف بر انسان).

۶. رضایتمند بودن: قناعت داشتن،^۸ عزت‌نفس و پاک‌دامنی در زندگی،^۹ رضایت و شکرگزاری بابت روزی خداوند.^{۱۰}

۷. تعاون و سازگاری اجتماعی: شتاب در نیکی و دوری از بدی،^{۱۱} فریادرسی و همدردی با مردم مصیبت‌دیده،^{۱۲} تعاون با خویشاوندان،^{۱۳} دوست داشتن مردم،^{۱۴} (همچون خویشستن)، عدم عیب‌جویی از مردم.^{۱۵}

-
۱. گذشت، زکات قدرت است و اگر بر دشمن دست‌یافتی بخشیدن او را شکرانه پیروزی قرار ده. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱۱ و ۲۱۱.
 ۲. روزی را با صدقه دادن فرود آوردی و صدقه دادن دارویی ثمربخش است. نهج‌البلاغه، حکمت ۷.
 ۳. امام علی (ع) خطاب به عبدالله ابن عباس، کارگزار خود در بصره، درباره اهمیت مسئولیت کارگزاران می‌فرماید: «خدا تو را بیمارزد، زیرا ما و شما در روابط اجتماعی با مردم شریک و مسئول هستیم.» نهج‌البلاغه، نامه ۱۸.
 ۴. در مورد علت پذیرش خلافت از جانب امام علی - لو لا حضور الحاضر
 ۵. خدا را بندگان است که برای سود رساندن به دیگران نعمت‌های خاصی به آنان بخشیده است تا آنگاه که دست بخشنده دارند، نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد و هرگاه از بخشش دریغ کنند، نعمت‌ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد. نهج‌البلاغه، حکمت ۳.
 ۶. مصلقه بن هبیره، از فرماندهان امام، که اسیران جنگی را خرید و آزاد کرد، ولی از پرداخت غرامت شانه خالی کرد. نهج‌البلاغه، خطبه ۴۴.
 ۷. کسی که چیزی از او خواسته‌اند تا وعده نداده آزاد است. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۶.
 ۸. چه هم‌نشین و دوستی بهتر از راضی بودن و خشنودی. نهج‌البلاغه، حکمت ۴. و خوشا به حال کسی که ... با قناعت زندگی کند و از خدا راضی باشد. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۴.
 ۹. تلخی ناامیدی بهتر از خواست کردن از مردم است. شغل همراه با پاک‌دامنی بهتر از ثروت فراوانی است که با گناهان به دست آید. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.
 ۱۰. کسی که به روزی خدا خشنود باشد بر آنچه از دست رود اندوهگین نباشد ... قناعت ثروتی است که تمام نمی‌شود و آن کس که فراوان به یاد مرگ باشد در دنیا به اندک چیزی که برایش میسر باشد راضی است. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۹.
 ۱۱. خدا را اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز مدارید. اگر خیری دیدید برگزینید و اگر شر و بدی دیدید از آن دوری کنید. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷.
 ۱۲. از کفاره گناهان بزرگ، به فریاد مردم رسیدن و آرام کردن مصیبت‌دیدگان است. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱.
 ۱۳. ای مردم، انسان هر مقدار که ثروتمند باشد باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳.
 ۱۴. حضرت علی (ع) در وصیت به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «ای پسر، نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده. آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز می‌پسند.» نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.
 ۱۵. ای مردم، خوشا به حال کسی که عیب‌شناسی نفس او را از عیب‌جویی دیگران بازدارد و خوشا به حال کسی که همواره به خویشستن خویش مشغول باشد و مردم از او در آسایش باشند. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۸. انضباط: نظم در امور زندگی^۱ و برنامه‌ریزی شخصی^۲، رعایت سلسله‌مراتب سازمانی^۳، اطاعت از رهبری^۴.

۹. وجدان کاری: نیت خالص^۵ و هدف صحیح، نداشتن آرزوهای دراز^۶، نداشتن غم و اندوه^۷ (شاه‌چراغ، ۱۳۸۶، ص ۶۴)

این عوامل برای تحلیل چگونگی توجه آموزه‌های دین به ابعاد تصویرپردازی است و در گام بعدی تحلیل روند این عوامل در گذر تاریخی گذشته و آینده باید صورت پذیرد.

ب) ابعاد اجتماعی تصویرپردازی آینده از دیدگاه اسلام

با توجه به پیچیدگی سیستم‌های اجتماعی و حضور اقدام‌کنندگان مختار در آن، طراحی و ساخت آینده مستلزم اتخاذ راهبرد ویژه‌ای است که بتواند این عناصر مختار را با خود هم‌نوا سازد. تحقق این مهم مستلزم تصویرپردازی از آینده است. (پورعزت، ۱۳۸۲)

در این تحقیق بر آن هستیم تا تصویری روشن از آینده بر اساس آیات قرآن کریم و روایات ذیل آن‌ها ارائه دهیم. تصویری که بر اساس این تحقیق از آینده ارائه شده، تصویری امیددهنده و روشن است. تصویری است که بر پیروزی حق بر باطل تأکید داشته و بر اساس گسترش عدل و فراگیر شدن آن ترسیم شده است. در این بخش، آیاتی از قرآن که به نوعی به تصویرپردازی از آینده در سطح اجتماعی پرداخته است با توجه به روایات ذیل آن‌ها مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد.

باید توجه داشت که تصویرپردازی از آینده به شدت تحت تأثیر تصورات، تمایلات و خواسته‌های گروه‌هایی قرار می‌گیرد که از فرصت پرداختن به چنین مهمی برخوردار باشند. استراتژی تصویرپردازی از آینده، یک استراتژی بسیار مؤثر برای نفوذ بر رفتار توده‌های تشکیل‌نیافته اجتماعی است که می‌توان زیربنای نظری آن را با توجه به پدیده کامیابی فراخود تحلیل کرد. (رضاییان، ۱۳۷۹، ص ۵۵ - ۵۷)

۱. شما را و تمام فرزندان خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آن‌ها می‌رسد به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میانان سفارش می‌کنم. نهج‌البلاغه، نامه ۴۷.

۲. مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه قسم تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، زمانی برای تأمین هزینه زندگی، زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌های حلال. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۰.

۳. اطاعت من بر شما لازم است و نباید از فرمان من سرپیچی کنید. دستورالعمل‌های ضروری را از فرماندهانتان دریافت داشته و از فرماندهان خود در آنچه خدا امور شما را اصلاح می‌کند اطاعت کنید. نهج‌البلاغه، نامه ۵۰.

۴. خداوند امامت را برای سازمان یافتن امور امت و فرمان‌برداری از امام را برای بزرگداشت مقام رهبری واجب کرد. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۵. بدان برای هر عملی نبات و رویشی است و هر نبات و رویشی بی‌نیاز از آب نیست و آب‌ها مختلف‌اند؛ آنچه آبیاری‌اش خوب باشد درختش نیکو و میوه‌اش شیرین است و آنچه آبیاری‌اش بد و ناپاک، درختش پلید و میوه‌اش تلخ خواهد بود. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۴.

۶. آنکه رشته آرزو را دراز کند به کار بد آغاز کند. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶.

۷. کسی که در کردار خود کوتاهی کند، گرفتار غم و اندوه شود. نهج‌البلاغه، حکمت ۱۲۷.

۱- شهر عدل موعود، مظهر اجتماعی تصویربرداری بصیرت‌بخش از آینده:

اگر تصویرپردازان بخواهند مختصات جهان آینده را به‌گونه‌ای ترسیم کنند که شوق مستمر و پایدار مردم را به تحقق آن برانگیزانند، باید با تعهد به حقیقت به دو مبنای مهم پایبند باشند؛ یکی عقلانیت و دیگری زیبایی.

انسان‌ها رشد می‌کنند، فرهنگ‌ها تغییر می‌یابند و تمدن‌ها متحول می‌شوند؛ باوجوداین، هرگز آنچه آدمیان به‌طور منطقی دریافته‌اند دگرگون نمی‌شود. انسان‌ها هرگز نمی‌توانند باورهای قطعی خود را از نظر دور کنند؛ درواقع، برای نفوذ بر اندیشه آدمی هیچ‌چیز مؤثرتر از منطق نیست.

همین‌گونه است تمایل آدمی به ادراک زیبایی‌ها. شوق ادراک زیبایی‌ها محرک مهمی است که در عالی‌ترین درجات انسانی مشوق رفتار آدمیان است؛ درواقع، اگر عقلانیت جهت و مسیر حرکت صحیح را مشخص کند، شوق زیبایی‌شناسانه، نیرو و حرارت ضروری برای حرکت را بر سر راه آدمی قرار می‌دهد؛ بنابراین، پایان کار انسان در بهترین وضعیت قابل‌تصور وضعیتی است که رفتارهای فردی و اجتماعی دقیقاً منطبق بر اصالت عقل و کاملاً متناسب با حقیقت هنر باشد؛ ازاین‌رو، تصویرپردازان موعود وظیفه دارند سیر خود را در دو طریق منطبق بر عقل‌گرایی علمی و زیبایی‌شناسی هنری استمرار بخشند.

مختصات شهر موعود به‌گونه‌ای است که تمایلات زیبایی‌شناسانه آدمیان را در ترسیم قواعد و مناسبات اجتماعی به بهترین نحو پاسخ می‌دهد. رهبر این تمدن با مراتبی وصف‌ناپذیر از زیبایی در رفتار و سلوک فردی و اجتماعی شناسایی می‌شود و رفتار مردم نیز از این زیبایی تأثیر می‌پذیرد. (پورعزت، ۱۳۸۳، ج، ص ۲۳۸)

شهر موعود، شهری است که با خواست عمومی مردم برپا می‌شود و امام، مظهر نهایی و نماد تام اسوه مردم به پا خاسته برای تحقق آن است؛ ازاین‌رو، مردم در این حکومت به ستون دین تشبیه می‌شوند. امام در مقصد راهی ایستاده است که مردم مشتاق طی طریق آندند. او حد‌اعلای زیبایی در رفتار و عقلانیت در آرا را نمایان می‌سازد. پس شهر عدل که با رهنمود او ساخته می‌شود شهری است متکی بر آرای عامه مردم؛ آرای مردم بلوغ‌یافته و عاقل که احساسات خویش را دست‌مایه حرکت به سوی تحقق آن می‌سازند و در این مسیر، آگاهانه و هوشیارانه از او الگو می‌گیرند و او را اسوه می‌دانند. (پورعزت، ۱۳۸۳، ب، ص ۶۷)

بدین ترتیب، جامعه عدل شکل می‌گیرد؛ جامعه‌ای که به دلیل هم‌سویی با اهداف خلقت، در اقتدا به امامی که حسن جمال عالمین است به قابلیت بقا و پایداری دست می‌یابد. (پورعزت، ۱۳۸۳، ج، ص ۲۴۱)

۲- حکومت صالحان در زمین

اولین و مهم‌ترین پرسش در رابطه با ویژگی‌های آینده موعود، آن است که حکومت زمین در آینده به چه کسانی می‌رسد؟ از نظر آیات قرآن کریم و روایات ذیل آن‌ها، وارثان زمین در آینده موعود چه خصوصیتی دارند؟ حکومت آینده موعود چه ویژگی‌هایی دارد؟

- جانشینی صالحان

با مراجعه به آیات قرآن کریم با سه آیه مواجه می‌شویم که در آن‌ها به جانشینی و وراثت زمین در آینده موعود اشاره شده است. این سه آیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان‌که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند آن‌ها فاسقانند. (نور: ۵۵)

۳- اسلام به‌عنوان آیین واحد

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک جامعه، نوع مکتب و ایدئولوژی است که اعضای آن جامعه تابع آن مکتب و جهان‌بینی هستند. انسان بدون مکتب و آیین نمی‌تواند زندگی کند و به‌ناچار باید آیین و روشی را برای زندگی انتخاب کند.

قرآن کریم دین غالب را در آینده موعود، دین اسلام می‌داند و می‌گوید در آینده موعود هیچ‌چیز جز خدا عبادت نمی‌شود. در آیات زیر به این بحث پرداخته شده است:

الف: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ. (نور: ۵۵) خداوند در این آیه وعده فرمود، دینی را که برای آن‌ها پسندیده است در زمین گسترش دهد و آن را تثبیت گرداند که همانا دین اسلام است. استقرار دیانت اسلام در زمین به معنی جاری شدن فرهنگ اسلامی خالص و تحقق عملی آن در جوامع بشری است، آن‌گونه که خداوند رضایت دارد. با توجه به آیه اکمل دین، رضایت خدا به دین اسلام در گرو استقرار رهبر منصوب الهی در جامعه بشری است که در ادامه همین آیه در سوره نور بر ادای حق خدا و مردم و اطاعت از فرمان‌های رسول خدا تأکید می‌کند، شاید که وعده الهی تسریع شود.

قرآن کریم از غلبه اسلام بر تمام ادیان خبر می‌دهد. (توبه: ۳۳) این وعده‌ای صریح و قاطع است.

۴- برپایی عدل و گسترش آن

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْأَيَّاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْتَلُونَ.» (بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به راستی ما آیات خود را برای شما آشکار گردانیده‌ایم، باشد که ببیندیشید.) (حدید: ۱۷)

در مصادیق احیای زمین بعد از مردن آن در روایات ذیل این آیه از اهل بیت (ع) نکات جالبی ذکر شده است. به عنوان نمونه به چند روایت اشاره می‌شود:

در کتاب کافی از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده است که حضرت در تفسیر این آیه فرمودند: «احیای زمین در این آیه به وسیله قطرات باران نیست، بلکه خداوند عزوجل مردانی را برمی‌انگیزد و آن‌ها عدل را احیا می‌کنند و زمین به زنده شدن عدل زنده می‌شود و اقامه حدود در زمین، نفعش بیشتر از باریدن باران در چهل صبح است.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۸۹)؛ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۷۳)

از جمع‌بندی این روایات مشخص می‌شود که احیای زمین که در این آیه ذکر شده است از نوع احیای زمین به وسیله آب که در آیات مشابه ذکر شده نیست، بلکه از سنخ دیگری است که بسیار مهم‌تر از نوع اول است. ائمه (ع) احیای زمین در این آیه را به برپایی و اقامه عدل در جامعه تفسیر کرده‌اند، زیرا جامعه بی‌عدل و پر از ظلم و جور به مانند زمین مرده‌ای است که حیات در آن وجود ندارد.

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «آگاه باشید، به خدا قسم مهدی (عج) عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می‌شود وارد خانه‌های مردمان می‌کند و دادگری او همه جا را می‌گیرد.»

۵- گسترش امنیت

چنان‌که اشاره شد، خداوند در این آیه (نور: ۵۵) به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که حتماً آن‌ها را در زمین جانشین قرار می‌دهد و دین آن‌ها را در زمین پای بر جا می‌کند.

در ادامه آیه، خداوند وعده دیگری نیز به این دسته از افراد می‌دهد: «حتماً ترس آن‌ها را به امنیت تبدیل می‌کنم، درحالی‌که مرا پرستش کنند و چیزی شریک من قرار ندهند.»

این به نحوی است که امنیت و آرامش در جامعه آنان سایه می‌افکند، درحالی‌که نه از دشمنان داخلی برای دین و دنیای خود بترسند و نه از دشمنان خارجی؛ نه از دشمن آشکار و نه از دشمن پنهان و خدا را عبادت کنند و ذره‌ای برای او شریک قائل نشوند. این وعده خداوند است

به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۸۴، ج ۱۵، ص ۲۱۲)

جمله «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» مانند جمله «وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ» عطف است بر جمله «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» و اصل معنا «لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» بوده است. به بیان ساده‌تر، درواقع باید می‌فرمود: «ترس ایشان را مبدل به امنیت کردیم»، ولی فرموده «ایشان را بعد از ترسشان مبدل به امنیت کردیم» و این تعبیر، استمرار بلافاصله امنیت کامل در همه زمینه‌های فکری، روانی، اجتماعی و سیاسی را پس از استقرار حکومت اسلامی موعود افاده می‌کند. همچنین اثبات و نفی «يَعْبُدُونَنِي لَأُبَشِّرَكُنَّ بِبِئْسَاءِ شَيْئًا» زائل شدن نفاق از جامعه اسلامی و جلوه‌گری

دیانت خالصانه را مطرح می‌کند که این مطلوب متعالی، آرزوی هر مؤمن عاشق ارزش‌های الهی است که برای بسیاری همچون رؤیایی شیرین متصور می‌شود. (نقی‌پورفر، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳)

۶- نابودی دولت باطل و پیروزی حق

«بگو حق آمد و باطل نابود شد. بی‌شک باطل نابود شدنی است.» (اسرا: ۸۱)

در مورد تفسیر و تأویل این آیه، روایاتی وجود دارد که این آیه را به قیام حضرت مهدی (عج) ربط داده است. در کتاب کافی از امام باقر (ع) در تفسیر این آیه نقل شده است که حضرت فرمودند: «هنگامی که امام قائم (عج) قیام کند، دولت باطل برچیده می‌شود.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۵۷۶)

۷- نابودی شیطان

«گفت ای پروردگار من، پس تا روزی که مردم برانگیخته می‌شوند مهلتم ده. گفت: تو از مهلت یافتگانی تا در روز وقت معین.» (حجر: ۳۸-۳۶)

در این آیات، شیطان از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد که او را تا زمان قیامت مهلت دهد؛ خداوند تبارک و تعالی هم با خواسته او موافقت می‌کند و می‌فرماید: «تو از مهلت داده‌شدگانی، منتها نه تا روز قیامت، بلکه تا روز و وقت معلوم و مشخص. در اینکه منظور از روز معلوم چه روزی است، مفسران اختلاف دارند. در روایات زیادی از ائمه (ع) نقل شده است که «یوم و وقت معلوم» همان روز ظهور حضرت مهدی (عج) است. برای نمونه به یک روایت دیگر در این زمینه اشاره می‌شود. در کتاب معانی الاخبار، شیخ صدوق با سند خود از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی نقل می‌کند که گفت شنیدم امام حسن عسگری (ع) می‌فرمایند: «معنای رجیم آن است که شیطان به واسطه لعن از درگاه الهی رانده شده و از هر خیری طرد شده است.» هیچ مؤمنی او را یاد نمی‌کند مگر اینکه او را لعن می‌کند و به درستی که در علم خداوند وجود دارد زمانی که حضرت مهدی (عج) ظهور فرماید، هیچ مؤمنی باقی نمی‌ماند مگر اینکه شیطان را با سنگ می‌راند، همان‌طور که قبل از آن با لعن رانده شده بود. (عروسی حویری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۳)

بنابراین، با توجه به روایاتی که گفته شد منظور از «وقت معلوم» روز ظهور امام زمان (عج) است و زمانی که آن حضرت تشریف‌فرما شوند، شیطان به قتل می‌رسد. در مورد کیفیت قتل او و قتل اعوان و انصارش در روایات مطالب مختلفی آمده که از بحث ما خارج است. البته نکته مهم آن است که نابودی شیطان زمانی تحقق می‌یابد که جامعه انسانی از گناه و شر رهایی یافته و به خیر و صلاح می‌رسد، به گونه‌ای که در روی زمین جز خدا کسی پرستش نمی‌شود و بساط کفر و فسق برچیده می‌شود؛ زندگی نیکو شده و مرض‌های درونی و وسواس قلبی از میان می‌رود.

۸- صالحان؛ مدیران آینده

به استناد آیه ۱۰۵ سوره انبیا «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»، (صالحان) مدیران آینده جامعه بشری خواهند بود، زیرا وعده الهی بر آن است تا زمین را به ایشان ارث دهند و در اینجا منظور از ارث، «مدیریت» اهل زمین و حاکمیت بر مردم آن است. (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۹)

۹- پایدار ساختن گروه‌های کار فرازمانی

الزامات رویکرد بصیرت‌بخش برای تحقق جامعه، عدل، توسعه و ترویج عقلانیت جوهری است. توسعه عقلانیت جوهری موجب بهبود فراگرد انتخاب آزاد و تقویت روند به‌گزینی عناصر اجتماعی می‌شود.

البته برای شکل‌دهی گروه‌های کار موقت می‌توان از عقلانیت ابزاری سود جست. به‌طور طبیعی، هر چه بر دوره زمانی انجام فعالیت افزوده می‌شود، ضرورت اتکا به مبانی عقلانیت جوهری و ارزش‌های پایدار جوامع انسانی برای تضمین روند فعالیت گروه‌های مذکور افزایش می‌یابد. باید توجه داشت که عدالت از محوری‌ترین ارزش‌های انسانی است که در پرتو عقلانیت جوهری مدنظر قرار می‌گیرد. (پورعزت، ۱۳۸۲)

۱۰- وحدت ملل و جهانی‌شدن

مستند قرار دادن «قرآن» و «نهج‌البلاغه» برای استخراج گزاره‌های عقلانی و منطقی معرف جامعه عدل حق‌مدار، برای پی‌ریزی تمدن موعود اسلامی در چشم‌انداز آینده می‌تواند رهگشای سیری هم‌گرا و وحدت‌آفرین باشد. توجه شود که استقرار شهر عدل مقصودی است که همه مذاهب اسلامی به‌جز معدود مذاهب کاملاً منحرف، خود را مدعی تمایل به تحقق آن معرفی می‌کنند. (پورعزت، ۱۳۸۲)

مفهوم زمان و عدم قطعیت در تصویرپردازی

در بررسی آیات و روایات، مفهوم «آخرت» صرفاً محدود به قیامت و بعد از آن نبوده است، بلکه در کلام اهل‌بیت (ع) به‌عنوان ترجمان وحی خدا، آخرت مفهومی گسترده‌تر داشته و مصادیق بیشتری را شامل می‌شود. بدین معنی که در قرآن آیاتی درباره آخرت وجود دارد که اهل‌بیت (ع) ذیل آن‌ها مصداق یا معنای آخرت را زمان «ظهور دولت امام زمان (عج) یا رجعت» مطرح فرموده‌اند. در حقیقت، در فرهنگ قرآنی و روایی که همان فرهنگ حقایق عالم است، از مقطعی از زمان با واژه «آخرت» یاد می‌شود و از مقطعی با واژه «دنیا» به تعبیر واضح‌تر، زمان ملک عظیم اهل‌بیت (ع) تا مقاطع بعدی عالم - بین‌الصورین، قیامت، جهنم و بهشت و درجات آن - با واژه «آخرت» نامیده می‌شود و از زمان ملک عظیم اهل‌بیت (ع) تا هبوط آدم (ع) با واژه «دنیا» یاد می‌شود. (اصفهانیان، ۱۳۸۴، ص ۷)

توجه به ماهیت و مفهوم‌سازی زمان در تصویرپردازی برای آینده می‌تواند ما را در رسیدن به یک الگو و مدل عملی یاری کند. مدل و الگوی به‌کاررفته در تصویرپردازی و مفهوم زمان و

ارتباط آن با عدم قطعیت می‌تواند در ابعاد چشم‌انداز بیست‌ساله نیز به کار گرفته شود و وجود این مبانی، روش‌شناسی متفاوتی ایجاد می‌کند.

تصویرپردازی از آینده و نقش آن در چشم‌انداز توسعه کشور

تصویرپردازی از آینده دارای قدرتی است که در صورت عدم توجه و درک شایسته، منجر به تضعیف چشم‌انداز توسعه خواهد شد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در ادبیات تدوین چشم‌انداز به انگیزه ساز و آرمان‌مدار بودن چشم‌انداز توجه ویژه‌ای می‌شود. نظام جمهوری اسلامی ایران چشم‌انداز ۲۰ ساله خود را برای تبدیل این دید کوتاه‌مدت به یک دید بلندمدت و آینده‌نگرانه تدوین کرد. با گذشت زمان و کسب تجربیات مکرر در کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، در حال حاضر ضمن تأکید بر اهداف یادشده، دستیابی به چشم‌اندازهای واقع‌گرایانه‌ای که مورد توافق عمومی قرار گرفته باشند ارجحیت یافته‌اند، زیرا تجربه نشان داده است که موفق‌ترین اهداف و سیاست‌ها در مرحله اجرای اهداف و سیاست‌هایی هستند که هم از طرف مردم و هم دولت در مورد آن‌ها توافق و تفاهم وجود دارد. در ادامه، مفروضات و کارکردهای تصویرپردازی از آینده در راستای تحقق سند چشم‌انداز ملی بحث شده است.

– ترویج فرهنگ آینده‌پرداز و چشم‌اندازمدار از طریق افزایش مشارکت شهروندان در ادبیات آینده‌پژوهی باور این است که وقتی رهبران انتظار همراهی دیگران با خود را دارند، باید آینده را به آن‌ها نشان دهند. با استفاده از داده‌های رشد جمعیت، اقتصاد، فناوری و روندهای عمومی دیگری که بر آینده جامعه یا سازمان تأثیرگذار هستند، باید تصویری از آینده یا سناریوی جذابی برای سال‌های بعد طراحی کرد. در این سناریو، باید محیطی را توصیف کرد که کارشناسان نخبه و تلاشگر در بخش‌های مختلف اجرایی مشغول خدمات‌رسانی به مشتریان هستند.

رهبران پس از خلق چشم‌انداز، نیاز به مهارت ترغیب^۱ (دیگران) دارند. دو تن از دانشمندان مدیریت به نام‌های جورج منرز^۲ و جوزف استگر^۳ نه مورد مهارت را در حوزه رهبری و مدیریت تعیین کردند که مهارت ترغیب از جمله آن‌هاست. بر اساس تحقیقات این دو دانشمند، مهارت ترغیب از دیگر مهارت‌ها دشوارتر بوده و تسلط بر آن مشکل‌تر است. با کمک این مهارت، یک رهبر می‌تواند افراد را به جاهایی برسد که حتی خلاف آرزو و میلشان باشد. رهبران باید توانایی متقاعد کردن دیگران را داشته باشند، خصوصاً کسانی را که بر رویشان کنترل مدیریتی ندارند تا بتوانند در پیشبرد یک پروژه یا اندیشه با ایشان همراه شوند. /سکات

-
1. Persuasion
 2. George Manners
 3. Joseph Steger

کات لیپ^۱، آلن سن‌تری^۲ و گلن بروم^۳ - از متخصصان روابط عمومی و فن ترغیب - چهار اصل راهنما را که از پژوهش‌های تجربی خود به دست آوردند معرفی کردند:

۱. اصل هم‌ذات‌پنداری.^۴ بدین معنا که بیش‌تر مردم از قبول یک ایده طفره می‌روند مگر اینکه تأثیر آن را در رفع نگرانی‌ها و تحقق تمایلات یا آرزوهایشان ببینند.

۲. اصل کنش.^۵ افراد برای ایده‌ای ارزش قائل می‌شوند که یا خودشان یا شخص ایده‌پرداز آن را به کار گرفته باشد و درستی آن از این طریق اثبات شده باشد.

۳. اصل آشنایی و اطمینان.^۶ ما معمولاً عقاید خود را از کسانی می‌گیریم که به آن‌ها اطمینان داریم، تحت تأثیرشان قرار گرفته‌ایم یا با آن‌ها مؤانست داشته‌ایم. تنها نظراتی که از سوی افراد، شرکت‌ها یا مؤسسات معتبر ارائه می‌شوند را قبول می‌کنیم.

۴. اصل شفافیت.^۷ باید وضعیت روشن باشد تا قبول کنیم؛ مبهم نباشد. آنچه مشاهده می‌کنیم، می‌خوانیم، می‌بینیم، می‌شنویم و آنچه به احساساتمان شکل می‌دهد همه باید شفاف باشند؛ مشتبه و دوپهلو نباشند. مردم (عادت دارند) که یا سیاه ببینند یا سفید. برای ایجاد ارتباط باید از واژه‌ها، علائم و کلیشه‌های قابل‌فهم مردم بهره بگیریم.

یک رهبر بزرگ زمانی می‌تواند بر فن ترغیب مسلط باشد که مردم او را به سان یک رهبر حرفه‌ای ببینند که توانایی شکوفا کردن آن‌ها و نیازهایشان را دارد و او را فردی بدانند که می‌تواند در اجرای یک طرح، آن‌ها را شفاف و محکم تفهیم کند؛ از این رو، یکی از شروط اصلی تحقق چشم‌انداز کشور، استفاده از تمامی ظرفیت‌های جامعه، فرهنگ‌سازی و ایجاد عزم و تحرک ملی برای تحقق سند چشم‌انداز است.

- رهبری نفوس؛ ابزار تحقق چشم‌انداز

با توجه به مطالب پیش‌گفته، به نظر می‌رسد دستیابی به اهداف چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، به‌عنوان یک آرمان دسترس‌پذیر نیازمند آگاهی و عزم ملی است. همچنان که در آغاز بیانیه چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ به عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها به‌عنوان پیش‌شرط اساسی تحقق اهداف چشم‌انداز اشاره شده است. (بیانیه چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴)^۸

- 1.Scott Cutlip
- 2.Allen Center
- 3.Glen Broom
- 4.Identification Principle
- 5.Action Principle
- 6.Familiarity and Trust Principle
- 7.Clarity Principle

۸. متن کامل سند چشم‌انداز، قابل‌دسترسی در:

با بررسی اجمالی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، به این واقعیت می‌رسیم که اهداف این برنامه‌ها به صورت کامل محقق نشده است. در واکاوی دلایل این امر به عدم وجود تصویری مثبت، شفاف و پویا از یک چشم‌انداز مهم نسبت به آینده کشور در سال‌های پیش از ۱۳۸۴ (سال ابلاغ سند چشم‌انداز) برمی‌خوریم. بدیهی است به دلیل آنکه ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های مختلف و متفاوت در هر جامعه، منجر به ترسیم آینده‌های متفاوت در اذهان افراد می‌شود، نخستین گام اساسی و گریزناپذیر در پیاده‌سازی اهداف سند چشم‌انداز، تلاش مجدانه در پذیرش یک چشم‌انداز مشترک توسط رهبران سیاسی، نخبگان علمی، مدیران اجرایی و سایر افراد در جامعه است؛ چشم‌انداز مشترکی که آینده‌ای از ارزش‌های مشترک افراد یک جامعه را به نمایش می‌گذارد. امری که اصطلاحاً می‌توان آن را رهبری نفوس نام نهاد و نمونه بارز آن را می‌توان در رهبری رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، به‌ویژه در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و بلافاصله پس از آن پیروزی در جنگ تحمیلی و سال‌های دفاع مقدس سراغ گرفت.

- مدیریت چشم‌انداز آفرین

پیش از این‌که به رویکردهای مختلف در قبال تدوین چشم‌انداز بپردازیم، لازم است اصطلاح «مدیریت چشم‌انداز آفرین» را تعریف کنیم. مدیریت چشم‌انداز آفرین واکنش رهبری به واقعیتی جدید در عرصه جهانی است و آن این‌که دنیا و محیط کسب‌وکار بیش از پیش پیچیده شده است. از دهه ۱۹۷۰ به این طرف، اصطلاح محیط متلاطم بسیار متداول شده است. ظهور و رواج سناریونویسی، مصداق واکنشی به این آشفتگی است.

وظیفه مدیریت چشم‌انداز آفرین، بهره‌گیری از این فرصت‌های جدید در کسب‌وکار آینده است، زیرا در واقع، چشم‌انداز، خود طرح کلی سازمان از داستان موفقیت‌آمیز کارآفرینی است. منافع مدیریت چشم‌انداز آفرین همواره با تصمیم‌های موفقیت‌آمیز فرصت‌طلبانه بازشناخته خواهد شد. هدف فرایند چشم‌انداز آفرینی، خلق اندیشه‌های جدید برای سازمان در جامعه چشم‌انداز است. فرایند تدوین چشم‌انداز به واسطه انگیزش افراد کلیدی به کار مشترک به‌عنوان تیمی خلاق برای موفقیت بلندمدت، بر غنای مدیریت راهبردی می‌افزاید. این فرایند با ایجاد درک مشترک از موقعیت کسب‌وکار در آینده آغاز می‌شود، سپس منابع و گزینه‌های موجود برای شرکت را کشف می‌کند. در نهایت، به بیانیه چشم‌اندازی ختم می‌شود که ترکیبی از درک مشترک افراد نسبت به موفقیت و میل به تحقق این اندیشه مهم است.

- توجه جدی به فرهنگ پیش رو و توسعه فرهنگی

تفاوت اساسی نظام جمهوری اسلامی با دیگر نظام‌های دنیا برخوردار از یک پشتوانه بسیار قوی و مستحکم فرهنگی است که برآمده از مبانی اعتقادی و ایدئولوژیکی اسلام است. از این‌روست که امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار بزرگ نظام، همواره فرهنگ را به‌عنوان

مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر هرگونه رابطه دوستانه یا رقابت‌آمیز ملی و بین‌المللی در سطوح خرد و کلان معرفی کرده است.

این عبارات از سوی بنیان‌گذار نظام به‌صراحت، لزوم توجه به مؤلفه فرهنگ و توسعه فرهنگی را برای رسیدن به هر نوع پیشرفتی مورد تأکید قرار می‌دهد. عدم توجه به توسعه فرهنگی می‌تواند یکی از مشکلات اساسی در امر توسعه را فراهم آورد. تجربه تاریخی جامعه ایران نشان می‌دهد که جامعه قبل از هر چیز نیازمند آمادگی‌های فکری، پی بردن به ضرورت توسعه و خلاصه تصمیم‌گیری قاطع پیرامون آن است. این امر مستلزم توسعه فرهنگی و همراهی آن با ابعاد دیگر توسعه است؛ بنابراین، از دید جامعه‌شناسان، توسعه علاوه بر بهبود شاخص‌های اقتصادی - که عمدتاً بر درآمد سرانه نهفته است - شاخص‌های اجتماعی نظیر فقر، بیکاری، نابرابری، حداقل تغذیه، کمبود مسکن، آموزش ناقص و امثال این موارد را در بر می‌گیرد. همگام با دیگر شاخص‌های مذکور، این امر به‌طور نسبی در عرصه فرهنگ و سیاست، برای تعالی و پیشرفت یک جامعه به کار گرفته می‌شود. انقلاب اسلامی نه تنها از این وضعیت مستثنی نیست، بلکه به لحاظ ماهیت فرهنگی نظام، تحقق توسعه فرهنگی در آن نیز از اولویت‌های اصلی به شمار می‌آید؛ بنابراین، مدیریت فرهنگی یک مدیریت چالشی درازمدت است که لازم است اولاً دارای بینش و مبانی متقن و آرمان‌های مورد باور ایمان باشد. ثانیاً این آرمان‌ها را در ظرف‌های زمانی - مکانی و طی برنامه‌ها و افق‌هایی برای آینده درآورد. این مهم در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله محقق شده است، یعنی با اتکا بر اراده، آینده بر اساس ارزش‌ها و آرمان‌ها تصویر شده تا راه‌های وصول بدان‌ها شناسایی گردد و آینده مطلوب آن آرمان‌ها ساخته شود.

نتیجه‌گیری

تصویرپردازی از آینده یکی از حوزه‌های مهم در آینده‌پژوهی است. بنیادی‌ترین پرسش‌های آینده در زمینه تصویرپردازی از آینده، علل پیدایش و پیامدهایی آن‌هاست. فهم تصاویر متفاوت از آینده منجر به رفتار و واکنش‌های متفاوت در زمان حال می‌شود. هر عملی که مرتکب می‌شویم در مرحله‌ای به تصویری که از آینده خلق شده مربوط است. در نگاهی کلی، می‌توان ویژگی‌های عمومی آموزه‌های دینی را برشمرد. بی‌تردید آینده‌نگر بودن در کنار ویژگی‌هایی مانند تبلیغی بودن، اخلاقی بودن، فرازمان بودن، فرامکان بودن و مانند آن در زمره این ویژگی‌های عمومی قرار دارد. تصویرپردازی آینده در دین اسلام در دو سطح فردی و اجتماعی قابل بررسی است. بر همین اساس اگر دین، سرشت و جوهره‌ای آینده‌نگرانه داشته باشد، انسان دین‌دار و دارای تربیت دینی نیز باید یک انسان آینده‌نگر باشد و درنهایت اجتماع نیز در این جهت حرکت کند. در ابعاد فردی، موضوع انسان کامل مورد بررسی قرار گرفته است و در ابعاد

اجتماعی، جامعه عدل و غیره تبیین شده است. در این مقاله سعی شد تا تصویری قرآنی از آینده به دست آید. تصویری که بر اساس آیات قرآن کریم از آینده به دست آمد تصویری امیددهنده و روشن است. تصویری است که بر پیروزی حق بر باطل تأکید دارد و بر اساس گسترش عدل و فراگیر شدن آن ترسیم شده است. این تصویر بر گسترش امنیت و آرامش و رضایت مؤمنان که اهل آن جامعه هستند اشاره دارد. شناسایی این مؤلفه‌ها در ابعاد اجتماعی و فردی به ما کمک می‌کند که عوامل مؤثر بر فرآیند تصویرپردازی را شناسایی کنیم و سپس به شناسایی مبانی معرفتی و فلسفی آن‌ها بپردازیم. این مبانی و مؤلفه‌های شناسایی شده می‌تواند در ترسیم مفروضات آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت مورد استفاده قرار گیرد. نکته اساسی در این است که طبق مباحث یادشده، بنیان محکم و قابل اتکا برای ورود به موضوعات آینده، نگرش الهی است.

کتاب‌نامه

الف- کتاب

۱. اصفهانیان، سعید، ۱۳۸۴، «طبیعت از منظر قرآن»، مصطفی گودرزی، خیال شرقی، تهران، فرهنگستان هنر.
۲. پورعزت، علی‌اصغر، ۱۳۸۲، «تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی»، سخن سمت، شماره ۱۰، تهران، انتشارات سمت.
۳. پورعزت، علی‌اصغر، ۱۳۸۵، «شناسایی مبانی و شاخص‌های پایدار تدوین چشم‌انداز فرهنگ کشور»، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. سرمدی، محمدرضا، ۱۳۸۱، «مدیریت اسلامی»، تهران، پیام نور.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۶، «ترجمه تفسیر المیزان (دوره بیست‌جلدی)»، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا و موسسه انتشارات امیرکبیر.
۶. رضاییان، علی، ۱۳۷۶، «تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم»، تهران، انتشارات سمت.

ب- مقالات

۷. پورعزت، علی‌اصغر، (۱۳۸۳-ب)، «تصویرپردازی از شهر عدل امام مهدی (عج): تجلیگاه تمام خرد و کمال هنر انسانی»، قم، مرکز تخصصی مهدویت، انتظار مهدویت، انتظار موعود، شماره ۱۳.
۸. پورعزت، علی‌اصغر، (۱۳۸۳-الف)، «تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده موعود: استراتژی فوق فعال انتظار شهر عدل در ایران»، کمال مدیریت (ویژه‌نامه مدیریت دولتی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران)، شماره ۸ و ۹.

۹. پورعزت، علی اصغر، (۱۳۸۳-ج)، «تصویرپردازی از آینده: استراتژی برای وحدت‌آفرینی بر مدار شهر عدل»، مجموعه مقالات هفدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی.

۱۰. شاه‌چراغ، سید امیر (۱۳۸۶)، «چشم‌انداز فرد سازمانی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، دو فصلنامه مدیر.

۱۱. صادقی ارزگانی، محمدامین، (۱۳۸۲)، «انسان کامل از نگاه امام خمینی و عارفان مسلمان».

۱۲. گودرزی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، «طراحی مدل مفهومی مدیریت بحران آینده‌نگری با رویکرد فرهنگی»، کمال مدیریت، شماره ۵۰۴.

۱۳. نقی‌پورفر، ولی‌الله، (۱۳۷۶)، «اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن»، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۱۴. نقی‌پور، ولی‌الله، (۱۳۸۴)، «رهبری بصیر در اسلام»، کمال مدیریت (ویژه‌نامه مدیریت دولتی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران)، شماره ۹۰۸.

ج- پایان‌نامه

۱۵. پورعزت، علی اصغر، (بهمن ۱۳۸۲)، «طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق برای عدالت اجتماعی بر مبنای مدل حکومت حق مدار علوی در نهج‌البلاغه»، رساله دکترای مدیریت سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

۱۶. گودرزی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، «طراحی مدل تصمیم‌گیری استراتژیک در حوزه سیاست‌گذاری مبتنی بر انتظار موعود در شیعه امامیه»، طرح پژوهشی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

۱۷. یاوری، وحید، (۱۳۸۴)، «تصویرپردازی از آینده بر اساس اندیشه‌ها و آثار شهدا؛ مطالعه موردی: ویژگی‌های جامعه آرمانی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

د- روزنامه

۱۸. اصغری، امیرحسین، (۱۳۷۹)، «اندیشه دینی و بحران در نظریات آینده‌پژوهانه»، روزنامه کیهان، ۱۳۷۹/۱۱/۲.

ه- لاتین

19. Cornish, Edward (2004), *Futuring: the exploration of the future* Mary Land; *World future society*, NO/3